

سقط جنین

نویسنده: دکتر جمال رضایی^۱

خلاصه

در نظام حقوقی ما سقط جنین و ابعاد مختلف آن مورد توجه واقع شده و مجازات هائی برای عاملین و مسببین آن پیش بینی گردیده و تنها در مواردی که ادامه باروری برای حیات مادر خطرناک باشد مجاز شمرده شده است. در شرع مقدس نیز سقط جنین بنابر احکام اولیه طبق قول مشهور فقها حرام بوده و در مواردی خاص حکم به جواز آن داده شده است. در این مقاله ملاک جواز یا حرمت سقط جنین در مراحل مختلف رشد و مفاد قانونی و مصادیق جواز سقط جنین مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: سقط، جنین، نفس محترمه، نفخ (ولوج) روح، نطفه، علقه، مضغه لحم، عظم، قصاص، دیه

مقدمه:

سقط جنین از موضوعاتی است که در جوامع و کشورهای مختلف برخوردهای متفاوتی با آن می شود بطور کلی سه نظریه در این خصوص در جوامع مختلف به چشم می خورد

۱- آزادی مطلق

۲- ممنوعیت مطلق

۳- آزادی نسبی

از جمله عواملی که حکومت‌ها را به اتخاذ یکی از این نظریه‌ها وامی دارد می توان به اخلاق، مذهب، حقوق بشر، انفجار جمعیت، آزادی، روابط جنسی، تنظیم خانواده، محدودیت منابع طبیعی و مصالح جامعه اشاره کرد.

در قوانین ما که تحت تاثیر احکام اسلامی تدوین گردیده ممنوعیت و حرمت سقط جنین به چشم می خورد و صرفاً در موارد خاصی برای نجات جان مادر مجاز شمرده شده است.

سازمان پزشکی قانونی اخیراً طی دستورالعملی برای نخستین بار ۵۱ مورد از مصادیق سقط جنین که ادامه باروری به مرگ مادر یا به

مرگ جنین در داخل رحم (مرده زائی) یا مرگ نوزاد بلافاصله بعد از تولد منجر شود را مجاز اعلام نموده است.

ما برای بررسی این موضوع ابتدا به تعریف سقط جنین و سپس به ملاک جواز یا حرمت سقط جنین در شرع و مجازات سقط جنین در قوانین و در پایان نیز به مصادیق مجاز سقط جنین می پردازیم.

تعریف سقط جنین

جنین از نظر لغوی به هر چیز پوشیده و مستور، به فرزندزاده نشده به دلیل مسترو پنهان بودن در شکم مادر گفته می شود. سقط از نظر لغوی در فارسی به معنای: برف، شبنم که به برف ماند، آتشی که از چخماق بر جهد و در نگیرد و بجهه ناتمام افتاده بکار برده شده است. (۱)

و سقط جنین به معنای افتادن جنین و اسقاط جنین به معنای انداختن جنین از شکم مادر قبل از تمام شدن دوره طبیعی بارداری است. (۲)

دانسته چیست؟

آیا جنین مصداق "نفس محترمه" است؟

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید که خلق انسان را الطوار و

مراحلی است:

**وَلَقَدْ فَخَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ
نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ فَلَاقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً وَفَلَاقْنَا
الْعَلَقَةَ مَضْغَةً فَفَلَاقْنَا الْمَضْغَةَ عِظَامًا فَخَسْنَا
الْعِظَامَ لِمَمَا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ فُلْقًا آفَرَفْتَابًا إِنَّ اللَّهَ أَمْسَنُ
الْفَالِقِينَ (۱۱)**

(انسان را از چکیده ای از گل آفریدیم آنگاه او را نطفه گردانیده و در جایی استوار قرار دادیم سپس نطفه را علقه و علقه را گوشت و آن گوشت را استخوان کردیم و بر آن استخوان ها گوشت پوشانیدیم پس از آن خلقتی دیگر انشاء کردیم آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده) در کدام یک از این مراحل است که قرآن جنین را انسان به شمار می آورد؟

آن هنگام که صلاله من طین است یعنی قبل از آنکه (منی) به جنین تبدیل شود، یا آنگاه که به نطفه تبدیل می شود و در قرار مکین مستقر می گردد یا آنگاه که نطفه به علقه تغییر شکل می دهد یا آنگاه که علقه مضغه می شود، یا آنگاه که استخوان در او پدید می آید؟ و یا آنگاه که تمامی استخوانها در جنین شکل می گیرد و گوشت بر آنها می روید؟

آنچه از آیات سوره مومنون بر می آید این است که جنین آن هنگام به انسان تبدیل می شود که خداوند خلقتی دیگر را عارض کند، خلقتی که او را به موجودی متمایز از دیگر حیوانات تبدیل می کند و او را مناسب نام و عنوان "انسان" می سازد. امامی پرسیم، این موجود (جنین) در این مرحله (خلقا آخر) چه چیز کسب می کند؟

پاسخ را از قرآن می یابیم

**ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةُ الْعَزِيزُ الرَّمِيمِ * الَّذِي
أَمْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ فَلَاقَهُ وَ بَدَأَ فُلُقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ
جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ * ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ
فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْبَصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ
قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۱۲)**

این است دانای نهای و آشکار آن عزیز مهربان، آن که آفرینش هر چیز را نکو کرد و آفرینش انسان را از گل آغازید. پس نزادش را از

از نظر پزشکی به اخراج عمدی یا مصنوعی یا خود بخودی حمل قبل از موعد طبیعی یا بیرون شدن حاصل باروری از رحم (۳) یا تولد جنین قبل از انقضای بیست هفته از شروع بارداری گفته می شود و خاتمه دادن به حاملگی از هفته بیستم تا هفته سی و هشتم، زایمان قبل از موعد نام دارد. (۴)

از نظر حقوقی یعنی اخراج حمل قبل از موعد طبیعی زایمان به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد (۵) و یا اقدام به خروج غیر طبیعی حمل قبل از موعد طبیعی وضع حمل بوسیله مادر یا غیر او، به نحوی که حمل خارج شده از بطن مادر زنده نبوده و یا فاقد قابلیت زیست باشد. (۶)

با توجه به وجود نوعی از حیات در جنین آیا سقط جنین قتل نفس است؟

در لغت قتل به معنای کشتن و نفس به معنی روح و جان آمده است و در شرع مقدس قتل نفس که همان سلب حیات از یک انسان زنده می باشد از جرائم و گناهان کبیره محسوب و از آن نهی گردیده است.

**وَهُ تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ بِالْمَقْ وَ مِنْ قَتْلِ
مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَهُ سُلْطَانًا (۷)**

(نفسی را که خداوند متعال محترم شمرده است به ناحق مکشید، کسی که به ستم کشته شود برای ولی او سلطه ای خاص قرار داده ایم ...)

مرحوم محقق حلی قتل را به سه نوع عمد، شبه عمد و خطای محض مستقیم نموده و در تعریف قتل عمد که موجب قصاص می شود می نویسد. (۸)

**هُوَ إِذَا حَقَّ النَّفْسَ الْمَعْصُومَةَ الْمَكَافَأَةَ عَمْدًا وَ
عَدْوَانًا**

قتل نفس موجب قصاص عبارت است از: اخراج نفس محترمه و بیگناه (از بدن انسان زنده) از روی عمد و ستم.

شهید اول نیز همین تعریف را برای قتل عمد که سبب و موجب قصاص نفس است ذکر نموده است. (۹)

فقههای امامیه شرایط معتبر در قصاص را برابری در آزادی، برابری در دین، نبودن پیوند پدری و فرزندی، عقل، بلوغ و مهلور الدم نبودن مقتول دانسته اند. (۱۰)

مقصود از "نفس محترمه" که اسلام قتل آن را موجب قصاص

سقط جنین

دیه نفس کامل را دارد یعنی اگر پسر باشد هزار دینار و چنانچه دختر باشد پانصد دینار. (۱۴)

گروهی از فقهای ما از جمله محقق حلی بر طبق مضمون این روایت فتوا داده اند محقق در شرایع الاسلام چنین می گوید: (۱۵)

نظر چهارم در لواحق چهار گانه این بحث است. اول، در جنین: دیه جنین مسلمان صد دینار است در صورتیکه جنین کامل شده باشد ولی هنوز روح به آن تعلق نگرفته باشد، این حکم برای جنین پسر یا دختر یکسان است چنانچه روح به جنین تعلق گرفته باشد دیه کامل برای پسر و نصف آن برای دختر پرداخت می گردد. و خوب این حکم در صورتی است که به زنده بودن جنین یقین حاصل شود و سکون پس از حرکت معتبر نیست زیرا ممکن است بر اثر باد باشد. مرحوم محقق در اینجا به موضوع سبب یا مباشر بودن برای سقط جنین نیز اشاره می نماید و در خصوص وجوب کفاره برای مسبب یا مباشر سقط جنینی که روح در آن دمیده شده باشد می فرماید: کفاره در اینجا در صورت مباشر شدن در جنایت واجب می شود (نه سبب شدن)، ایشان در ادامه راجع به اسقاط حمل توسط مادر می فرماید: اگر خود زن حملش را بیندازد چه به مباشرت و چه با سبب شدن، دیه آنچه را انداخته (از پسر یا دختر) بر عهده اوست و در این حال از دیه چیزی به او نمی رسد...

فقیه بزرگ صاحب جواهر در شرح خود بر شرایع می گوید: (۱۶) ... به هر حال از نظر مالازم نیست جانی کفاره بپردازد و حتی هر دو نوع اجماع (محصل و منقول) نیز در این مورد وجود دارد، علت این امر نیز این است که وقتی فرض بر این باشد که روح به جنین تعلق نگرفته دیگر قتل معنا ندارد.

شهید ثانی نیز می نویسد: (۱۷)

در این مورد کفاره ای واجب نیست. مگر در قتل جنین آن هم در تمامی حالات، زیرا وجوب کفاره مشروط به زمانی است که جنین مقتول دارای حیات بوده باشد اگر روح به جنین تعلق گرفته باشد. چنانچه جنین پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن پرداخت می گردد.

از آنچه گفته شد نتیجه گرفته می شود: که اسقاط جنین در صورتی قتل به شمار می آید که پس از تعلق روح به آن باشد، اما قبل از تعلق روح عنوان قتل بر آن صادق نیست و منظور از قتل، قتل نفس محترمه یا نفس انسانی است.

چکه ای از آبی پست گردانید، سپس او را آراست و از روح خودش در او دمید و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد و شما کم سپاسگزارید.

در داستان خلقت حضرت آدم نیز چنین می خوانیم:

فاذا سویته و نفقت فیه من رومی فقعو له

سالمیدین (۱۳)

آن هنگام که او را آراستم و از روح خویش در او دمیدم سجده کنان در مقابلش افتید.

آیه اخیر نشان می دهد که حضرت آدم حتی پس از اینکه جسمش آراسته شده هنوز شایستگی آن را نیافته بود که ملائکه بر او سجده کنند، اما پس از آنکه خداوند از روح خویش در او دمید (نفخت فیه من روحی) به خلیفه و جانشین وی در میان مخلوقات تبدیل شد و مورد تکریم الهی قرار گرفت.

همانگونه که حضرت آدم فقط بعد از دمیده شدن روح الهی در وی به چنان مقام و مرتبتی نائل آمد، جنین نیز فقط بعد از دمیده شدن روح است که عنوان نفس محترمه می گیرد.

در وسایل الشیعه روایتی از محمد بن یعقوب از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود:

دیه جنین چهل دینار است، نطفه مرد تا زمانی که به جنین تبدیل شود پنج جز (مرحله) دارد. تا وقتی که جنین است و هنوز روح به او تعلق نیافته صد دینار، زیرا خداوند متعال انسان را از سلاله خلق کرده که همان نطفه است (یک جزء) سپس سلاله به علقه تبدیل می شود (دو جزء). علقه به مضغه تبدیل می گیرد (سه جزء). پس از آن استخوان در جنین پدید می آید (چهار جزء) و سپس گوشت بر استخوان می روید و خلق جنین کامل می شود و پنج جزء تکمیل می گردد. برای این پنج جزء صد دینار است. صد دینار پنج قسمت است.

دیه نطفه یک پنجم این صد دینار است که می شود بیست دینار

دیه علقه دو پنجم صد دینار یا چهل دینار است

دیه مضغه سه پنجم صد دینار یا شصت دینار است

دیه استخوان چهار پنجم یا هشتاد دینار

و دیه جنینی که بر استخوان هایش گوشت رویده صد دینار کامل

است

پس وقتی که "خلق آخر" (که همان دمیدن روح است) پایان یافت

منشاء ایجاد جنین حالتی از سقط معمولاً زمینه‌های جسمانی یا عملکرد غیر طبیعی برخی اعضاء در بدن زن است. باید در نظر داشت که عواملی از قبیل بیماری‌های عفونی، آلبومینوری، وجود ضایعات رحمی و مسمومیت‌های دارویی (مسمومیت‌های حاصله از سرب، جیوه، فسفر، گاز کربنیک، مرفین و مسهل‌ها) از طریق تاثیر در مکانهای مختلف چون محیط‌های کارگری و نامنظم کردن دوران قاعدگی و در نتیجه مختل کردن عملکرد دستگاه تولید مثل یا وجود امراضی از قبیل سیفلیس یا ناراحتی‌های عصبی و هیجان‌ات روحی می‌توانند موجب بروز سقط جنین غیر ارادی شوند. در مواردی که تاثیر این عوامل به قدری نباشد که منجر به بروز سقط گردد تاثیرات سوئی در جنین خواهد داشت که گاه تا اواخر عمر با او خواهد بود. این عوامل طبعاً جامعه‌رانی دستخوش پیامدهای آن خواهد ساخت. همچنین عوامل روانی از جمله غم و شادی، هیجان و اضطراب زنان باردار و عوامل فیزیکی چون اشعه ایکس، کمبود کلسیم، فسفر و ویتامین ب، ث، د، تغذیه نامناسب در دوران حاملگی، اعتیاد مادر و سایر عوامل نیز در شکل‌گیری و سلامت جنین و شخصیت وی مؤثرند. (۲۰)

همچنین برخی از بانوان به علل ارثی و ... زمینه خاصی برای سقط جنین دارند که با پیشامدهای کوچک دیگری در زندگی مانند هیجان‌ات غم یا شادی و یا مشاهده یک صحنه تصادف یا نزاع ... بدون اینکه ربطی به آنان داشته باشد سقط جنین می‌نمایند. اغلب این افراد هول و تکان را موجب سقط جنین می‌دانند که از نظر پزشکی مسموم و قابل طرح نیست، زیرا این افراد اگر زمینه آماده برای سقط نداشته باشند، تا جنین آنان مورد صدمه قرار نگیرد سقط صورت نمی‌گیرد. (۲۱)

آنچه این نوع از سقط جنین را از انواع دیگر متمایز می‌کند فقدان عنصر اراده و فعل مادی اعم از عمد یا غیر عمد در بروز سقط است، در حقیقت نمی‌توان مرتکبی برای آن فرض کرد. حتی در مورد زنی که علیرغم اطلاع از لزوم رعایت احتیاطات لازم و بدون وجود قصدی صرفاً به منظور مسافرت سوار بر اتوبوس شود و در اثر تکانهای شدید اتوبوس، جنین خود را سقط کند چون رابطه علیت بین عمل زن و بروز سقط ندارد چنین سقطی غیر ارادی شناخته می‌شود. در این نوع سقط جنین هیچگونه مسئولیتی متوجه مادر و دیگران نخواهد بود.

ممکن است گفته شود که اسقاط جنین در تمامی مراحل و حالات آن قتل به شمار می‌آید زیرا علم روشن نموده که جنین از همان آغاز دارای حیات است. پاسخ این اشکال چنین است که خود این امر دلالت دارد بر اینکه منظور از روحی که در شرع از تعلق آن به جنین در آخرین مرحله سخن رفته، چیزی غیر از حیاتی است که علم برای جنین و حتی برای نطفه پیش از آنکه از مرد به رحم زن منتقل شود، اثبات می‌کند اگر مرد نطفه خود را در خارج از رحم ریخت آیا می‌توان کارش را قتل یعنی قتل انسان دانست؟ به هیچ وجه. پس اسقاط جنین پیش از آنکه روح انسانی به او تعلق گیرد قتل انسان نیست زیرا جنین در آخرین مرحله تکاملی اش آن هنگام که روح به آن تعلق گیرد به انسان تبدیل می‌شود. (۱۸)

ممکن است پزشک یا فقیهی اسقاط علقه یا مضغه را قتل بنامد در این صورت می‌توان آن را قتل حیوان یا قطع حیات نباتی نام گذارد نه قتل انسان. چنین کسی البته باید اسقاط نطفه را نیز حتی قبل از ورود به رحم زن قتل بداند و بنامد زیرا همان نطفه نیز واجد حیات است. در احادیثی که در این باب وارد شده (۱۹) اسقاط جنین در مراحل قبل از ولوج روح را قتل انسان ندانسته و یا حتی عنوان قتل به آن داده نشده است زیرا قتل نفس اعم است از قتلی که به حسب عموماً کتاب و سنت موجب قصاص شود و یادیه کامل را واجب گرداند. از آنچه گفته شد معلوم می‌گردد: که اسقاط جنین قبل از تعلق روح به آن (قبل از آنکه در رحم به انسان تبدیل شود) قتل نفس شمرده نمی‌شود و حرمت و مجازات قتل نفس را ندارد و زمانیکه به تعبیر قرآن خلقی دیگر یافت (ثم انشأناه فلقاً آهد) یا بعد از آنکه روح در آن دمیده و به انسان تبدیل شد قتل نفس محترمه محسوب می‌شود و از سوی شارع مقدس حرام و از گناهان کبیره شمرده شده و برای آن مجازات هائی مثل قصاص یادیه و کفاره در نظر گرفته شده و صرفاً در مواردی خاص مجاز گردیده است.

انواع سقط جنین

الف- سقط جنین غیر ارادی

در مواردی وجود عوامل محیطی و تاثیر آنها بر ارگانیزم پرورش و نگهداری جنین در بدن زن باعث سقط جنین از نوع غیر ارادی و خود بخودی می‌گردند.

این قانون تنها موردی که سقط جنین از مجازات معاف گردیده، هنگامی است که عمل سقط برای حفظ جان مادر صورت می‌گیرد و سپس اصلاحیه‌ای بنام اصلاحیه قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۲ به تصویب رسید که در آن پیش‌بینی تنظیم آئین‌نامه اجرائی سقط جنین شده بود. آئین‌نامه مذکور در سال ۱۳۵۵ بتصویب هیأت وزیران رسید که با تصویب آن ایران آزادی مطلق سقط جنین را بدون هیچگونه قید و شرطی پذیرفت و حتی افراد مجرد را هم در بر می‌گرفت و با توجه به مخالفت‌هایی که از سوی محافل مذهبی و روحانی شد این مصوبه بصورت یک نوشته بر روی کاغذ ماند. (۲۳) همچنین در آئین‌نامه انتظامی پزشکی که در سال ۱۳۴۸ به تصویب کمیسیون‌های بهداشتی و دادگستری مجلسین سابق رسیده بود طبق ماده ۱۷ آن در صورتی که ادامه حاملگی برای مادر خطرناک تشخیص داده می‌شد اجازة سقط به طور کلی در هر مرحله داده می‌شد.

ماده ۱۷ آئین‌نامه چنین است:

در مواردی که سقط جنین برای سلامت جان مادر لازم باشد پزشک موظف است در بیمارستان و پس از مشاوره تصویب دو نفر پزشک دیگر اقدام نماید و باید ظرف ۲۴ ساعت گزارش امر را با ذکر دلیل، نام و محل و اسامی پزشکان مشاور را به هیأت مدیره نظام پزشکی ارسال دارد. (۲۴)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رئیس وقت هیأت مدیره نظام پزشکی در سال ۱۳۶۱ طی نامه‌ای به شورای نگهبان درخواست اظهار نظر در خصوص انطباق آئین‌نامه انتظامی پزشکی با حکم شرعی را می‌نماید که در این خصوص دبیرخانه شورای نگهبان در خصوص ماده ۱۷ آئین‌نامه مذکور بدین شرح اعلام نظر می‌کند:

"ماده ۱۷ که دلالت بر جواز سقط جنین برای سلامت مادر دارد بطور اطلاق شرعی نیست و چون سقط جنین برای سلامت مادر صور مختلف دارد، باید موارد آن مشخص شود، مثلاً در مواردی که قبل از دمیده شدن روح در جنین، یقین یا خوف عقلانی حاصل شود به تلف شدن مادر و توقف حفظ نفس او بر سقط جنین، در این حال که هنوز روح در او دمیده نشده است، جایز است و در مورد پس از دمیده شدن روح اگر امر دائر باشد بین حفظ یکی از آنها به این صورت که اگر اقدامی نشود، یا مادر جان به سلامت می‌برد یا جنین، سقط جنین برای حفظ جان مادر جایز نیست و سایر موارد نیز باید مشخص شود و حکم مطابق موضوع تعیین گردد. (۲۵)

ب) سقط جنین جنائی

سقط جنائی به ختم بارداری غیر مستند به ضرورت پزشکی مشروع در هر یک از مراحل بارداری اطلاق می‌شود که ممکن است توسط زن حامله یا شوهر یا پزشک یا اشخاص فاقد صلاحیت به طرق مختلف انجام گیرد (۲۲)

چنین عملی معمولاً دارای شرایط خاص بوده و احراز حاملگی زن به عنوان مقدمه اساسی آن محسوب می‌شود. از شرایط آن، عملیات منجر به اخراج جنین قبل از موعد طبیعی زایمان است که معمولاً از طریق بکارگیری وسایل مصنوعی و یا اعمال فیزیکی به قصد جنایت از سوی مرتکب صورت می‌گیرد.

دستکاری رحم توسط مادر، خوردن دارو و ضربه عمدی وی به رحم (خودزنی)، دستکاری رحم یا تجویز داروی سقط‌کننده جنین توسط کسانی دیگر، به کار بردن وسایل مخصوص توسط طیب یا ماما یا افراد غیر مجاز به منظور ایجاد خونریزی، سقط جنین و قطع حاملگی، بدون مجوز قانونی، از جمله این اعمال یا وسایل شمرده می‌شوند.

در نظام حقوقی فعلی سقط جنین اعم از عمد (قبل از ولوج روح) یا شبه عمد یا خطای محض مستلزم پرداخت دیه از ناحیه مرتکب یا مسبب آن است.

در موارد مذکور به انجام عمل سقط، نظریه‌های پزشکی قانونی از نظر وقوع سقط یا عدم آن، سن جنین سقط شده، نوع عملی که منجر به سقط شده و تشخیص اینکه مرتکب شخص ثالثی بوده و یا مادر شخصاً به آن اقدام کرده است نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

سقوط جنین در قانون

در نظام حقوقی ما اولین قانون در این زمینه پس از مشروطیت به تصویب رسید که در آن بر مبنای تئوری آزادی نسبی برای سقط جنین در مواردی مجازات قائل نشده بود لیکن قانون مزبور بعلت فشار افکار عمومی هیچگاه به مورد اجرا گذاشته نشد. در سال ۱۳۰۴ که قانون مجازات عمومی منبعت از حقوق جزای فرانسه تدوین و به مورد اجرا درآمد در قسمت جنحه و جنایات نسبت به افراد، مواد ۱۸۰ لغایت ۱۸۳ آن راجع به سقط جنین تعیین تکلیف نموده بود. در

قصاص هم شده است. پس این سؤال مطرح می شود که: آیا ماده ۹۱ قانون تعزیرات مصوب سال ۶۲ به قوت خود باقی است؟ خصوصاً اینکه در ماده ۷۲۹ ق.م.ا.صراحتاً قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن ملغی شده ولی اشاره به لغو قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب سال ۶۲ نشده بود.

در این موضوع باید و نظریه از سوی حقوقدانان روبرو می شویم. یک نظریه معتقد به وجود مجازات قصاص در مورد سقط عمدی جنین به کیفیتی که در ماده ۶۲۲ بر آن اشاره شده می باشد. باین بیان که بر فرض فسخ ماده ۹۱، باز در ماده ۶۲۲ مجازات قصاص برای سقط عمدی جنینی که نفع روح در آن شده و قصد ضارب و اذیت کننده سقط جنین بوده است، بعنوان یک مجازات تصریح شده و وجود خواهد داشت و اگر چه ماده ۶۲۲ در مقام بیان مجازات تعزیری است، ولی اشاره به مجازات قصاص، دلیل بر وجود این مجازات نیز هست. لذا با عنایت به ماده ۲۰۷ ق.م.ا. (۲۷) که مجازات قاتل مسلمان را قصاص دانسته و با عنایت به نظر اجماعی فقهای امامیه مبنی بر اینکه جنین بعد از نفع روح، نفس محترمه انسانی است و نظر مشهور فقهای امامیه مبنی بر اینکه سقط جنین در چنین مرحله ای موجب قصاص است (۲۸)، لذا مجازات قصاص در موارد مطرح شده در ماده ۶۲۲ وجود دارد.

نظریه دیگر در رد این نظریه می گوید:

اولاً با توجه به اختلاف فقها در مورد اصل وجود حکم قصاص برای سقط جنین و اتفاق نظر ایشان بر اینکه جنین بعد از نفع روح، نفس است و مسلمان حکمی محسوب می شود، نمی توان به موادی از قبیل ماده ۲۰۷ برای وجود قصاص در مانحن فیه، استناد کرد، زیرا حکم به قصاص در هر مورد نیاز مند تصریح است.

ثانیاً: قانونگذار در مورد سقط عمدی جنین یا باید نظریه مشهور را ملاک قانونگذاری قرار دهد یا از نظر اقلیت پیروی کند، مطابق نظر مشهور باید در تمامی مواردی که جانی اقدام به سقط عمدی جنین بعد از نفع روح می کند، او را مستحق قصاص دانست در حالیکه در ماده ۶۲۲ ضارب و اذیت کننده و آزار دهنده به مادر را حسب مورد محکوم به قصاص و تعزیر دانسته ولی اگر اسقاط کننده جنین، اشخاص عادی یا اطباء و سایر شاغلین به حرف پزشکی باشند (مواد ۶۲۳ و ۶۲۴ ق.م.ا.) را مستحق تعزیر و در صورت مباشرت، محکوم به پرداخت دیه می داند و این رویه دو گانه در شان قانونگذار نمی باشد.

مجازات قصاص برای سقط جنین

بعد از انقلاب اسلامی با عنایت به نظریه شماره ۶۰۵۳ مورخ ۱۹/۶/۶۳ شورای نگهبان، دیگر مواد ۱۸۰ تا ۱۸۴ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ و اصلاحیه های آن و هم چنین آئین نامه مصوب مجلسین که راجع به سقط جنین بود از اعتبار افتاده و اولین قانون بعد از انقلاب اسلامی مواد ۹۰ و ۹۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۳ جایگزین آن شد. (۲۶)

پس از اینکه قانون مجازات اسلامی (حدود و قصاص و دیات) در تاریخ هشتم مرداد ماه ۱۳۷۰ به تصویب کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید و بنابر مصوبه مجلس قرار بود برای مدت ۵ سال بصورت آزمایشی اجرا شود، چون ماده ۵ آن مورد اختلاف شورای نگهبان و مجلس قرار گرفته لذا به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد و این مجمع عیناً نظر مجلس را تایید نمود. با توجه به اینکه این قانون آزمایشی شامل مجازات های باز دارنده و تعزیرات نبود، در مورد بحث سقط جنین این مشکل پیش آمد کرد که: آیا مجازات سقط عمدی جنین بعد از نفع روح چنانچه قانون آزمایشی مجازات اسلامی (حدود و دیات و قصاص) سال ۱۳۷۰ که در مبحث قصاص اشاره ای به سقط جنین ننموده و فقط در مبحث دیات مواد ۴۸۷ تا ۴۹۳، دیه برای انواع سقط جنین معین کرده، پرداخت دیه است؟

از طرفی این سؤال مطرح می شد که اگر قانون سال ۱۳۷۰ معارض با قانون سال ۱۳۶۲ است، آیا اصولاً قانون آزمایشی این توان و قدرت را دارد که قانون را تخصیص بزند یا مقید کند یا فسخ نماید؟ این مشکل همچنان پابرجا بود تا اینکه در تاریخ دهم خرداد سال ۱۳۷۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های باز دارنده) به تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان رسید و مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴ آن به مجازات های تعزیری سقط جنین اختصاص داده شد.

در ماده ۶۲۲ چنین آمده است:

”هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد، به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.“

با تصویب این ماده ابهام بیشتر شد. زیرا اگر چه ماده ۶۲۲ برای بیان مجازات تعزیری سقط جنین انشاء شده ولی در آن بحث از



حتی به استناد مواد ۲۶۱ و ۲۶۴ ق.م.ا. اولیاء دم می توانند جانی را عفو نمایند.

در خصوص میزان دیه ماده ۴۸۷ ق.م.ا. دیه مراحل مختلف را اینگونه تعیین نموده است. (۳۲)

مرحله اول "نطفه" ۲۰ دینار یا ۶۹۱ گرم طلا

مرحله دوم "علقه" ۴۰ دینار یا ۱۳۸۲ گرم طلا

مرحله سوم "مضغه" ۶۰ دینار یا ۲۰۷۴ گرم طلا

مرحله چهارم "عظام" ۸۰ دینار یا ۲۷۶۵ گرم طلا

و مرحله تام الخلقه شدن جنین بدون روح را ۱۰۰ دینار یا ۳۴۵۶ گرم طلا و بالاخره دیه جنین بعد از نفخ روح اگر مذکر باشد ۱۰۰۰ دینار یا سه کیلو و ۴۵۶ گرم طلا و اگر مؤنث باشد ۵۰۰ دینار یا یک کیلو و ۷۲۸ گرم طلا و اگر مشتبه باشد سه ربع دیه کامل (۳۳)

بموجب ماده ۴۹۰ قانون اگر چند جنین سقط شوند به ترتیب فوق دیه به تعداد جنین ها افزایش می یابد. و مطابق ماده ۴۸۹ چنانچه مادر، خود، اسقاط کننده جنین باشد از پرداخت دیه معاف نبوده البته خود از دیه پرداختی، بعنوان وارث جنین سهمی نخواهد برد. (۳۴)

و چنانچه در اثر کشتن مادر جنین هم بمیرد یا سقط شود مطابق ماده ۴۸۸ دیه جنین در هر مرحله ای که باشد بر دیه مادر افزوده می شود.

ج: سقط جنین طبی یا درمانی

در اکثر نظام های حقوقی سقط جنین طبی با توجه به اهمیت نقش درمانی آن در مورد مادر یا جنین تحت شرایط بخصوصی پذیرفته شده است. عموماً در مواردی که ادامه حاملگی به سلامتی مادر لطمه وارد کند و یا در صورتی که مادر مبتلا به بیماری قلبی پیشرفته یا بیماری های کلیوی یا ریوی باشد و در صورت ادامه حاملگی یا هنگام زایمان خطرات جانی برای وی پیش بینی شود این نوع از سقط جنین توسط پزشک متخصص مجاز شمرده می شود. (۳۵)

در تعدادی از کشورها سقط جنین طبی با هدف جلوگیری از تولد جنینی که از نظر پزشکی احتمال معیوب شدن آن (از جمله ناقص الخلقه بودن یا عقب افتادگی ذهنی) می رود و به لحاظ لزوم دور ماندن از آسیب های اجتماعی و ممانعت از صرف امکانات دولت و تحمیل

بنابراین چاره ای نیست جز اینکه بگوئیم: قانونگذار قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ و ۷۵ بر خلاف قانونگذار سال ۶۲ که تابع نظر مشهور بود، بدلائلی از جمله مقتضیات زمانی و مکانی، تابع نظر غیر مشهور است و مجازات قصاص را حذف کرده است.

زیرا آنچه مسلم است در بحث تعزیرات تعیین مجازات قصاص برای سقط جنین درست نیست.

حتی در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی سابق (تعزیرات) در مواردی که طیب یا قابله عالمه یا عمده مباشرت به اسقاط جنین نماید در صورتیکه اسقاط جنین بعد از نفخ روح باشد آن را محکوم به قصاص دانسته، در حالیکه معادل ماده ۹۱ قانون مذکور ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ است که اصولاً مباشرت پزشک یا ماما یا دارو فروش برای اسقاط جنین (در هر مرحله ای که باشد) را مطلقاً موجب حبس از دو تا پنج سال پرداخت دیه نموده و اشاره ای به قصاص نکرده است. و در نتیجه دیگر مجازات قصاص برای مباشرت طیب و قابله و دارو فروش به سقط عمدی جنین وجود ندارد. (۲۹)

ممکن است نحوه نگارش ماده ۶۲۲ اینگونه توجیه شود که:

ظاهر ماده ۶۲۲ اشاره به وجود قصاص برای سقط جنین دارد و شاید منظور این ماده از دیه، سقط جنین قبل از ولوج روح، و قصد آن از قصاص، سقط جنین بعد از ولوج روح باشد. گرچه این احتمال قوی بنظر می رسد ولی ماده ۶۲۲ منحصر آبیان کننده مجازات تعزیری سقط جنین است و با توجه به اینکه در سایر مواد قانون خصوصاً در کتاب قصاص مجازات قصاص برای سقط عمدی جنین وجود ندارد پس این ماده هم نمی تواند تعیین کننده مجازات قصاص باشد.

دیه سقط جنین

سقط جنین ممکن است بطور عمدی یا شبه عمد یا خطای محض باشد (۳۵) و در موارد عمد نیز ابتدائاً طبق نظر صحیح و مختار که بموجب آن در حال حاضر مجازات قصاص از سقط عمدی جنین بعد از ولوج روح برداشته شده، جانی موظف به پرداخت دیه است و بنابر نظریه دیگر اگر بفرض اعتبار ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ قائل به قصاص جانی باشیم به استناد ماده ۲۵۷ قانون مجازات اسلامی مجازات قصاص با رضایت ولی دم و قاتل، به مقدار دیه کامل یا به کمتر و یا زیادتر از آن تبدیل می شود و

نکردن درد ورنج به فرد ناقص و خانواده وی مجاز شمرده شده است. بگفته یکی از کارشناسان سازمان جهانی بهداشت هزینه نگهداری درمان و دیگر زیان‌های مستقیم و غیر مستقیم حاصل از تولد و زنده ماندن یک فرد معلول (ذهنی و جسمی) برای والدین، دولت، بیمه و ... یکصد میلیون تومان است. و لذا کشورهای پیشرفته جهان از حدود ۳۰ سال پیش با انجام آزمایش‌های ژنتیکی و تشخیص پیش از تولد، از بدنیآمدن چنین نوزادانی جلوگیری می‌کنند (۳۶)

حتی در پاره‌ای از نظام‌های حقوقی نیز در صورتی که بارداری در نتیجه تجاوز یا زنا باشد برای حفظ آبروی مادران و دخترانیکه مورد تجاوز قرار می‌گیرند انجام سقط جنین به صورت طبی مجاز شمرده شده است.

در قانون مجازات عمومی سابق در ماده ۱۸۳ آمده بود:

”طیب یا قابله یا جراح یا دوا فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا قابله‌گی یا جراحی یا دوا فروشی و وسایل سقط حمل رافراهم آورند از سه تا ده سال حبس با اعمال شاقه محکوم خواهند شد، مگر اینکه ثابت شود این اقدام طیب یا قابله یا جراح برای حفظ حیات مادر است“

همچنین در قانون مجازات اسلامی به این نوع سقط درمانی و سقط عمدی در حالت ضرورت در ماده ۶۲۳ توجه گردیده است، این ماده مقرر می‌دارد ”هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یکسال حبس محکوم می‌شود و اگر عالم‌آمدن حامله‌ای را دالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد“

برای نخستین بار در جمهوری اسلامی در اول دیماه سال جاری طی دستورالعملی که سازمان پزشکی قانونی صادر نمود (۳۷) انجام سقط جنین درمانی را در ۵۱ مورد بیماری‌های مادر یا جنین که جان و سلامت هر یک را به خطر می‌اندازد مجاز شمرده است. در مقدمه این دستورالعمل چنین آمده است.

بمنظور ساماندهی موضوع سقط جنین و رفع پاره‌ای از مشکلات موجود، ضابطه مند کردن و افزایش دقت صدور مجوز سقط جنین در مراکز پزشکی قانونی، صیانت از مبانی شرعی و حفظ حقوق مردم

و بادر نظر گرفتن دیدگاه‌های فقهی، حقوقی و پزشکی، موارد مجاز سقط جنین با حضور متخصصان رشته‌های پزشکی قانونی، جراحی، ارتوپدی، نفرولوژی، اورولوژی، هماتولوژی، اطفال و نوزادان، قلب و عروق، گوارش، ریه، عفونی، روماتولوژی، جراحی اعصاب، پوست، نفرولوژی و زنان در کمیته سقط جنین سازمان پزشکی قانونی تعیین و به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است. مطابق دستورالعمل یاد شده در خواست صدور مجوز سقط درمانی تنها در ادارات کل پزشکی قانونی مراکز استان‌ها با دستور مقام قضائی یا در خواست زوجین با معرفی نامه پزشک معالج قبل از چهار ماهگی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

بر اساس این دستورالعمل معرفی نامه پزشک باید شامل عکس بیمار، مشخصات شناسنامه‌ای جهت احراز هویت، تشخیص بیماری و روش تشخیصی آن باشد.

و در مواردی که ادامه باروری به مرگ جنین منجر شود، انجام حداقل دو نوبت سونوگرافی و در مواردی که به مرگ مادر منجر شود حداقل یک نوبت سونوگرافی برای تعیین سن حاملگی به همراه حداقل دو مشاوره تخصصی در تأیید تشخیص بیماری الزامی است. در این مصوبه مصادیقی از سقط جنین در بیماریها و ناهنجاری‌های جنینی که به مرگ جنین داخل رحم (مرده زائی) یا مرگ نوزاد بلافاصله بعد از تولد جنین منجر می‌شوند مشخص گردیده و علیرغم اینکه اعلام شده بررسی در مورد سایر بیماریها در کمیته تخصصی سقط جنین سازمان پزشکی قانونی ادامه دارد تأکید گردیده که با موارد سقط جنین خارج از ضوابط اعلام شده توسط مراجع ذیصلاح برخورد قانونی خواهد شد.

مصادیق مجاز سقط جنین در بیماریها و ناهنجاری‌های جنینی که به مرگ جنین داخل رحم (مرده زائی) یا مرگ نوزاد بلافاصله بعد از تولد جنین منجر می‌شوند، شامل ۲۹ مورد در برخی بیماریهای کروموزومی، آلفا تالاسمی، برخی بیماری‌های کلیوی، تشکیل جنین فاقد جمجمه، مشکلات غیر قابل درمان استخوانی، برخی اختلالات سیستم عصبی تعیین و اعلام گردیده است. همچنین برخی مصادیق سقط جنین در بیماری‌های مادر شامل ۲۲ مورد به شرح زیر مجاز اعلام شده است:

۱- هر بیماری دریچه‌ای که به نارسائی قلبی منجر به class ۳ و Function ۴ رسیده باشد و غیر قابل برگشت به ۲ باشد

۲۲- انواعی از بیماری های موتور نوروں مثل ALS که با حاملگی تشدید یافته و برای مادر خطر جدی جانی داشته باشد.

تأملی بر دستور العمل موارد مجاز سقط جنین

این اقدام مثبت و راهگشای سازمان پزشکی قانونی می تواند برخی از مشکلات و تبعات سقط جنین های غیر رسمی و غیر قانونی را کاهش دهد و ضریب سلامت مادران و جامعه را افزایش دهد لکن چند نکته قابل تأمل در خصوص این دستور العمل بنظر می رسد که عبارتند از:

♦ با توجه به وجود سوابق قانونی موارد مجاز سقط جنین در قبل از انقلاب اسلامی و همچنین جواز سقط جنین در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۶۲ و ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ و با توجه به اینکه تصویب رئیس قوه قضائیه جایگزین قانون گردیده، شایسته است این دستور العمل بصورت لایحه یا طرحی به مجلس شورای اسلامی ارسال و بصورت قانون درآید تا از اعتبار و ضمانت اجرایی قوی تری برخوردار شود. ضمن آنکه تصویب این دستور العمل توسط رئیس قوه قضائیه و ابلاغ آن توسط سازمان پزشکی قانونی در حالی است که طرح قانونی موارد مجاز سقط جنین در کمیسیون بهداشت در مان مجلس شورای اسلامی و مرکز تحقیقات مجلس در دست بررسی و در شرف تصویب بوده است!!

♦ آنچه تاکنون در فتاوی و قول مشهور فقهای امامیه و در مفاد قانونی موجود به عنوان موارد اضطرار، حکم به جواز سقط جنین داده شده است در موارد وجود خطر جانی برای مادر و حفظ حیات مادر بوده است (۳۸) و موضوع خطر مرگ جنین داخل رحم (مرده زائی) و یا مرگ نوزاد بلافاصله بعد از تولد جنین، موضوعات جدیدی است که در این دستور العمل شامل موارد مجاز سقط جنین قرار گرفته است. هر چند برخی از فقهای معاصر در بعضی از این موارد حکم به جواز داده و یا به تصویب و تایید آیه الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه رسیده لکن با توجه به وجود نظر مخالف (قول مشهور فقها) اینگونه مسائل جدید باید یا با تصویب قانون، یا بوسیله صدور حکم حکومتی بر مبنای ضرورت یا مصلحت از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شود تا در اجرا با سلايق و تفسیرها و نظرات متفاوت روبرو نشود.

۲- هر نوع مسائل حاد قلبی غیر از کروموز که به Function class رسیده باشد از قبیل میو کاردیت و پری کاردیت

۳- سابقه بیماری کار دیو میوپاتی دیلاته در حاملگی های قبلی

۴- سندرم مارفان در صورتیکه قطر آئورت صعودی از ۵ سانتی متر باشد.

۵- سندرم آیزن منگر

۶- کبد چرب حاملگی

۷- واریس مری Grade III

۸- سابقه خونریزی از واریس مری به دنبال افزایش فشار خون پورت

۹- هیپاتیت اتوایمون غیر قابل کنترل

۱۰- نارسائی کلیه

۱۱- فشار خون غیر قابل کنترل با داروهای مجاز در دوران حاملگی

۱۲- هر بیماری ریوی اعم از آمیزم، فیبروز، کایفو اسکولوز، برونشکتازی منتشر به شرط ایجاد فشار خون ریوی حتی از نوع خفیف

۱۳- توانائی انعقاد افزون یافته که تجویز هپارین منجر به تشدید بیماری دیگری گردد که جان مادر را تهدید می کند.

۱۴- ابتلا به ویروس HIV که وارد مرحله بیماری AIDS شده باشد

۱۵- لوپوس فعال غیر قابل کنترل با درگیری یک ارگان ماژور

۱۶- واسکولیتها زمانی که ارگانهای ماژور درگیر باشند

۱۷- تمامی توده های فضاگیر CNS با توجه به نوع و محل آن که شروع درمان در جنین و عدم شروع درمان در مادر باعث خطر جانی گردد

۱۸- پمفیگوس و لگاریس، پسوریازیس شدید و ژنرالیزه و ملانوم نوع پیشرفته که باعث خطر جدی برای جان مادر شود

۱۹- موارد اپی لپسی که علیرغم درمان چند داروئی مقاوم به درمان باشد

۲۰- موارد Multiple Sclerosis که باعث ناتوانی بیمار Disability شده باشد

۲۱- میاستنی گراو در مراحل پیشرفته به شرط اینکه خطر جدی جانی برای مادر داشته باشد



منابع:

- ۱- جوهری، الصحاح تاج اللغة، ج ۱، شماره ۸۸۲ و فرهنگ فارسی معین، المنجد فی اللغة
- ۲- گودرزی، ف، مقدمه ای بر پزشکی قانونی، ص ۳۳۲
- ۳- قضایی، ص، پزشکی قانونی، ص ۵۳۶
- ۴- رجحان، م، جنین شناس کامل پزشکی، ص ۵
- ۵- پاد، ا، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱ ص ۶۷
- ۶- نوری، ر، سقط جنین در قانون مجازات اسلامی، ص ۴۷
- ۷- قرآن کریم، سوره اسراء آیه ۳۳
- ۸- شرایع الاسلام ج ۴ ص ۱۹۵
- ۹- اللعنه الدمشقیه ج ۲ ص ۲۵۸
- ۱۰- فیض، ع، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام ج ۲ ص ۱۲۰
- ۱۱- سوره مؤمنون آیات ۱۲ تا ۱۴
- ۱۲- سوره بقره آیات ۶ تا ۹
- ۱۳- سوره حجر آیه ۲۹
- ۱۴- وسایل الشیعه ج ۲۹ ص ۳۱۲ باب ۱۹ از ابواب ذیات اعضاء
- ۱۵- شرایع الاسلام ص ۲۹۷ و ۲۹۸ کتاب دیات
- ۱۶- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام ج ۶ ص ۷۴۲
- ۱۷- الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه ج ۲ ص ۳۷۳
- ۱۸- حسینی بهشتی، بهداشت و تنظیم خانواده در اسلام
- ۱۹- وسایل الشیعه ج ۳ ص ۴۶۳ و ۴۹۸
- ۲۰- کی نیا، م، مبانی جرم شناسی ج ۱ ص ۱۳۶ و ۱۳۷
- ۲۱- گودرزی، ف، پزشکی قانونی ص ۳۳۳
- ۲۲- جمشیدی منش، سقط عمدی و مسائل شرعی و قضائی آن ص ۹۵
- ۲۳- محقق داماد، م، تحقیقی در مورد سقط جنین، مجموعه مقالات اخلاق پزشکی ج ۵ ص ۱۵۶
- ۲۴- مجموعه قوانین سال ۱۳۶۳ روزنامه رسمی ص ۲۶۲
- ۲۵- گلدوزیان، ا، حقوق جزای اختصاصی ص
- ۲۶- ماده ۹۰: هرکس زن حامله را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل می گردد بنماید به سه الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد.
- ماده ۹۱: اگر زن حامله برای سقط جنین به طبیب و یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عالماً عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید دیه جنین به عهده اوست و اگر روح در جنین دمیده شده باشد باید قصاص شود و اگر او را به وسایل اقساط جنین راهنمایی کند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شود.
- ۲۷- ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی: هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و معاون در قتل به سه تا پانزده سال حبس محکوم

می شود.

- ۲۸- نجفی، م، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۷۴۲
- ۲۹- ولیدی، حقوق جزای اختصاصی جلد ۲ ص ۱۵۴
- ۳۰- ماده ۴۹۲ ق.م.ا: دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد.
- ۳۱- ماده ۲۵۷ ق.م.ا: قتل عمد موجب قصاص است لکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامله یا به کمتر یا زیادتر از آن تبدیل می شود.
- ۳۲- معادل سازی دینار به گرم از فتوای شماره ۳۹۲ حضرت آیه الله صانعی از سایت ایشان اخذ شده است.
- ۳۳- ماده ۴۸۷ ق.م.ا: دیه سقط جنین به ترتیب زیر است:
 - ۱- دیه نطفه که در لرحم مستقر شده بیست دینار
 - ۲- دیه علقه که خون بسته است چهل دینار
 - ۳- دیه مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دینار
 - ۴- دیه جنین فرز مرحله ای که بصورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار
 - ۵- دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار

تبصره: در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی باشد
- ۶- دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبّه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود
- ۳۴- ماده ۴۸۹ ق.م.ا: هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در مرحله ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی برد
- ۳۵- دکتر هاشمی فرد، ا، مسایل و اختلافات جنسی در زن و مرد ص ۲۳۸
- ۳۶- نشریه ملت مورخ ۸۰/۴/۳ به نقل از دکتر فرهود رئیس مرکز ژنتیک
- ۳۷- ۸۲/news/WWW.Womeniniran.org
- ۳۸- برخی از استفتائاتی که شورای نگهبان از حضرت امام خمینی به عمل آوردند چنین است:
 - سقط جنین قبل از دمیده شدن روح اگر علم به تلف شدن مادر باشد و همچنین در صورت خوف تلف او جایز است یا خیر؟
 - بسمه تعالی - جائز بلکه لازم است.
 - همچنین حضرت آیه الله خوئی در پاسخ این سوال:
 - اذا كان بقاء الجنین موجبا لهلاك امه فهل يجوز لامه اهلاکه؟ وهل يجوز اهلاکه لغیرها؟
 - فرموده اند: يجوز لامه و لایجوز لغیرها

Abstract

Abortion

Author: Dr. Jamal Rezaei ¹

In the country's legal and ethical system abortion and its various methodologies are taken into consideration and punishments and consequences are anticipated for its agents or causations, and just only in cases that the continuation of pregnancy is dangerous to mother's life, it is permissible. In our divine law abortion except in some specific cases is declared as an unlawful and prohibited action according to the justice's view points.

In this article the permissibility criteria or the reverence of the law for permitted abortion in different stages of growth and its legal context are examined and considered.

Key words: abortion, remorse, revenge, retaliate, fine, mulct